

سرمقاله

صعود قیمت نفت به سطوح ۱۲۰ دلاری:

بازتاب فشارهای ساختاری
در سمت عرضه

❖ | عبور قیمت نفت از مرز ۱۲۰ دلار بار دیگر این واقعیت را به بازار انرژی یادآوری کرد که مسئله امروز بازار جهانی نفت صرفاً نوسان‌های مقطعی قیمت نیست، بلکه نشانه‌هایی از شکل‌گیری یک کمبود واقعی در عرضه در حال آشکار شدن است. طی سال‌های گذشته، هرگاه بازار با تنش عرضه مواجه می‌شد، آزادسازی ذخایر استراتژیک یا افزایش تولید برخی تولیدکنندگان می‌توانست تا حدی شوک قیمتی را مهار کند. اما تحولات اخیر نشان می‌دهد ظرفیت این ابزارها برای مدیریت بحران به تدریج در حال کاهش است و بازار نفت وارد مرحله‌ای شده که حاشیه امنیت آن به شکل محسوسی کوچک‌تر از گذشته است.

در هفته‌های اخیر درگیری‌های بین ایران با طرف امریکایی-اسرائیلی بر سمت عرضه فشار وارد کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین متغیرهایی که توجه تحلیلگران بازار را جلب کرده، بحث‌های مربوط به احتمال خروج امارات متحده عربی از سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) است. از منظر بازار، چنین خبری در نگاه نخست می‌تواند سیگنالی برای افزایش بالقوه عرضه تلقی شود؛ زیرا برخی تصور می‌کنند خروج یک تولیدکننده بزرگ از چارچوب محدودیت‌های تولید اوپک ممکن است به افزایش تولید و در نتیجه کاهش فشار قیمتی منجر شود. با این حال، اثراولیه این خبر بسیار کوتاه‌مدت بود و همزمانی آن با افزایش

تنش‌های سیاسی پیرامون ایران، عملاً این سیگنال را خنثی کرد. تهدیدهای تازه دونالد ترامپ درباره تشدید فشارها و تهدیدها علیه ایران، بار دیگر ریسک اختلال در بخشی از عرضه نفت غرب آسیا را به معادله بازار بازگرداند و انتظارات صعودی قیمت را تقویت کرد.

در کنار این عوامل ژئوپلیتیکی، داده‌های بنیادین بازار نیز تصویر کم‌عرضه‌تری از وضعیت بازار جهانی ارائه می‌دهند. آمارهای منتشرشده درباره ذخایر نفت خام و فرآورده‌های نفتی در ایالات متحده نشان‌دهنده کاهش قابل توجه موجودی‌ها در هفته‌های اخیر است. این کاهش در شرایطی رخ داده که ایالات متحده برای مدیریت بازار و جبران بخشی از کمبود عرضه جهانی، سطح صادرات نفت خود را به رکوردی بی‌سابقه رسانده است. صادرات بیش از ۶ میلیون بشکه در روز از سوی آمریکا نشان می‌دهد که این کشور عملاً به یکی از ستون‌های اصلی تأمین نفت بازار جهانی تبدیل شده است. با این حال، افزایش صادرات به معنای آن است که بخشی از فشار عرضه از بازار جهانی به داخل اقتصاد آمریکا منتقل می‌شود.

پیامد مستقیم این وضعیت در بازار داخلی آمریکا به وضوح قابل مشاهده است. قیمت بنزین در این کشور به بالاترین سطح خود در پنج سال گذشته رسیده است؛ روندی که می‌تواند پیامدهای اقتصادی و سیاسی قابل توجهی به همراه داشته

باشد. در اقتصاد آمریکا، قیمت سوخت نه تنها یک شاخص اقتصادی، بلکه یک متغیر سیاسی مهم نیز محسوب می‌شود. تجربه تاریخی نشان می‌دهد که رأی‌دهندگان آمریکایی حساسیت بالایی نسبت به افزایش قیمت بنزین دارند و این مسئله می‌تواند به سرعت به موضوعی در رقابت‌های سیاسی و انتخاباتی تبدیل شود. افزایش قیمت سوخت به طور مستقیم هزینه حمل‌ونقل و زنجیره تأمین را افزایش می‌دهد و در نهایت خود را در قالب تورم بالاتر و افزایش هزینه‌های زندگی نشان می‌دهد.

از منظر ساختاری، آنچه امروز در بازار نفت مشاهده می‌شود تا حد زیادی نتیجه سال‌ها کاهش سرمایه‌گذاری در بخش بالادستی صنعت نفت است. پس از سقوط قیمت‌ها در سال‌های ۲۰۱۴ و سپس شوک تقاضای ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹، بسیاری از شرکت‌های بزرگ نفتی و سرمایه‌گذاران بین‌المللی سرمایه‌گذاری‌های خود در پروژه‌های اکتشاف و توسعه را کاهش دادند. در همان زمان، فشارهای سیاستی مرتبط با گذار انرژی و کاهش انتشار کربن نیز بر تصمیمات سرمایه‌گذاری در صنعت نفت سایه انداخت. نتیجه این روند آن است که ظرفیت مازاد تولید در بازار جهانی نفت امروز بسیار محدودتر از یک دهه پیش است.

در چنین شرایطی، حتی اختلال‌های نسبتاً کوچک

در عرضه می‌تواند اثر قابل توجهی بر قیمت‌ها داشته باشد. بازار نفت در حال حاضر با حاشیه امن بسیار باریکی عمل می‌کند؛ به این معنا که فاصله میان عرضه موجود و سطح تقاضای جهانی چندان زیاد نیست. همین موضوع باعث شده هر تحول ژئوپلیتیکی، از تنش‌های غرب آسیا گرفته تا تحولات در سیاست‌های انرژی قدرت‌های بزرگ، با سرعت زیادی در قیمت‌ها منعکس شود.

به طور کلی، عبور نفت از سطوح قیمتی بالای ۱۲۰ دلار را نمی‌توان صرفاً یک جهش موقتی دانست. این تحول نشانه‌ای از ورود بازار نفت به دوره‌ای است که در آن ترکیبی از محدودیت سرمایه‌گذاری، تنش‌های ژئوپلیتیکی و رشد تقاضای جهانی می‌تواند ساختار بازار را دگرگون کند. اگر این روند ادامه یابد، جهان ممکن است وارد دوره‌ای از قیمت‌های بالاتر و نوسان‌های شدیدتر در بازار انرژی شود؛ وضعیتی که نه تنها برای اقتصادهای واردکننده انرژی، بلکه برای نظم اقتصادی جهانی نیز پیامدهای مهمی به همراه خواهد داشت. همه اینها نتیجه حمله آمریکا به ایران می‌باشد که اقتصاد جهان را با بحران روبرو می‌کند. ایران برای مقابله و دفاع از خود، به بهترین شکل در حال استفاده از اهرم تنگه هرمز برای کنترل تجارت نفت در جهان و طبیعتاً فشار به طرف مقابل خود، استفاده میکند. تاثیر واقعی این اهرم از الان به بعد به طور ملموسی قابل درک است. ❖

رصد سیاسی انرژی

محمد باقر قالیباف | MB Ghalibaf
@mb_ghalibaf

X.com

3 days in, no well exploded. We could extend to 30 and livestream the well here. That was the kind of junk advice the US admin gets from people like Bessent who also push the blockade theory and cranked oil up to \$120+. Next stop: 140. The issue isn't the theory, it's the mindset.

تحولات بازار جهانی نفت

عبور نفتکش تحریمی

«ویگور» از هرمز؛

تداوم جریان

صادرات نفت ایران



خبرخوان

● **هشدار رئیس بزرگ‌ترین شرکت نفتی جهان از بحران شدید انرژی**
مایک ویرت، مدیرعامل شرکت شورون، یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های نفتی جهان: هنوز حجم عظیمی از تأمین انرژی جهانی نمی‌تواند جریان یابد. احیای این جریان اصلی‌ترین راهکار است تا بازارها بتوانند دوباره موجودی بسازند و فشار کاهش یابد.

● **هشدار به بازار جهانی؛ توقف صادرات گاز آرامکو از ماه آینده**
بلومبرگ به نقل از منابع آگاه اعلام کرد که شرکت آرامکو به دلیل آسیب دیدن تأسیسات اصلی صادرات خود در اواخر ماه فوریه، ماه آینده ارسال گاز را متوقف خواهد کرد. تأسیسات جیومه آرامکو که در جنگ آسیب دیده، ۳.۵ درصد از کل صادرات دریایی ال پی جی به بازار جهانی را تشکیل می‌دهد.

● **عبور ۵ کشتی ایرانی از تنگه هرمز در روز گذشته**
براساس گزارش کپلر روز گذشته تنها ۷ شناور از تنگه هرمز عبور کردند (یکی بیشتر از روز قبل‌تر) که ۵ شناور مرتبط به ایران بودند. عبور کشتی‌های مرتبط به ایران نشان می‌دهد تنگه هرمز همچنان تحت کنترل ایران است.